بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از سری جزوات آموزشی:

زبان تخصصی کامپیوتر

تالیف : مهدی یوسف خانی – ناصر آیت – احمد فراهی

ناشر : انتشارات دانشگاه پیام نور

گردآوری : واحد آموزشی انجمن علمی پژوهشی فناوری اطلاعات دانشگاه پیام نور قم

تایپ و تدوین : واحد فناوری انجمن علمی پژوهشی فناوری اطلاعات دانشگاه پیام نور قم

لغات متن و آخر دروس

درس اول

لغات داخل متن

achievement	موفقيت
aircraft	هواپيما
appropriate	مناسب
arithmetic	حسابي
bored	كسل
capable	قادر
carry out	انجام دادن
certain	بعضي
circuits	مدارها
claim	ادعا
communicating	ارتباط
consider	توجه كند
demagnetize	غيرمغناطيسي
dessert	دسر
determine	تشخيص
diet	رژيم
display screen	صفحه نمايش
dull	كسل كننده
executive	مدير
fans	طرفدارها
fraction	بخشي, كسري
instantaneously	بلافاصله, فوري

درس دوم

لغات داخل متن

abroad	خارج از کشور
acts	عمل مي كند
actual	حقيقي, واقعي
architecture	معماري
aspect	جنبه
candidate	كانديدا, نامزد
centerpiece	بخش مركزي
characteristics	خصوصيات
clothing	پارچه
coast	ساحل
components	سازنده, تشكيل دهنده, قطعه
course	مسير
creative	سازنده, بديع
cut	بريده شده
enormous	عظيم, قابل توجه
equipment	تجهيزات
execution	انجام
extremely	بي نهايت, بسيار
figure	نمودار
fundamental	اصلي
garment	لباس پوشاك
handling	كاركردن
infinite	بي شمار, بي پايان
intense	شديد, پرشور, فشرده
internal	داخلي
known limit	محدوديت شناخته شده
laziness	تنبلي
made up of	تشكيل شدن از
makeup	ساختار
mice	موش‌ها
more compact	كم حجمتر
multicultural	چند فرهنگي
own	دارابودن تهيه
peripheral	جانبي
portable	قابل حمل
regardless of	صرف نظر از

intricate	پيچيده
invest	سرمايه گذاري كردن
logical	منطقي
manipulating	دست كاري
mathematical	رياضي
means	روش
medical	پزشكي
medium	رسانه
namely	بعبارت ديگر
navigation	دريايي
operate	كاركردن ,اداره كردن
operation	عمليات
order	نظم
originality	خلاقيتي

patient’s	روند
perform	انجام دادن
personality	شخصيت
possible states	حالات ممكن
power	توانايي
printer	چاپگر
remarkable	قابل ملاحظه چشمگير
replace	جايگزين كردن
resilience	يهودي
supply	در دسترس قرار دادن
unfortunately	متآسفانه

لغات درس

arbitrary	تصادفي, اتفاقي
astounding	شگفت انگيز
astute	با هوش
baffle	درمانده كردن, گيج كردن
petition	در خواست دادن
relinquish	دست كشيدن از كاري, صرف نظر كردن
resilient	انعطاف پذير
tempt	فريفتن, وسوسه كردن

درس سوم

لغات داخل متن

announce	آگهي كردن خبردادن
application	درخواست كاربرد
assignment	ماموريت كار وظيفه تكاليف
blended	مخلوط كردن
closely	تنگاتنگ نزديك به هم
coordinate	منظم كردن هماهنگ كردن
deer	گوزن ها
direct	راهنمايي كردن
Indecision	تزلزل دورويي
Integrate	يكي كردن ادغام كردن
originally	دراصل مبتكرانه
recognize	شناختن تشخيص دادن
rewarding	ارزشمند
stage	صفحه نمايش
supplier	تامين كننده
the former	اولي
tiring	خسته كننده
trip	مسافرت بازديد
various	گوناگون چندين

لغات درس

acclaim	تحسين تشويق
advent	ظهور پيدايش
adverse	نامطلوب اعتراض آميز بد
agile	چابك فعال چالاك
albeit	اگرچه به رغم اينكه بااين همه هرچندكه
autonomous	خودمختارمستقل آزاد
disruptive	مخل مخرب
haphazardly	بابي نظمي بدون دقت

reliability	ميزان اعتماد به آنها
respond	پاسخ دادن
rules	قوانين
schematically	به طور اختصار
sequence	ترتيب, توالي
sewing	دوختن
storage	ذخيره سازي
thereby	بدين وسيله, از اين رهگذر
vacation	تعطيلات
versatility	چند منظورگي
voters	راي دهندگان
wings	بال ها

لغات درس

alter	تغييردادن, اصلاح كردن
anticipate	انتظارداشتن, پيش بيني كردن
appealing	خوشايند, جذاب, گيرا
celebrated	مشهور, معروف
conform	سازگاربودن, مطابقت دادن
contemporary	جديد, هم سن, معاصر
frail	ضعيف, سست, آسيب پذير
vital	بسيارمهم, حياتي, بانشاط

درس چهارم

لغات داخل متن

admitted	پذيرفته شدن
appliance	اسباب، وسيله، دستگاه
attend	شركت كردن
balance	ترازنامه
blockage	انسداد
by so doing	بدين ترتيب
connectivity	اتصال
continual	پيوسته
crab	خرچنگ
critical	مهم، حياتي
currently	در حال حاضر
customer	مشتري
declined	كاهش يافتن
diagnosis	تشخيص
disabled	معلولان
due to	به دليل
efficiency	بازده
endure	باقي ماندن
enhance	افزايش دادن
expand	گسترش دادن
expert	متخصص، كارشناس
flooded	آبگرفتگي
generate	توليد كردن، ايجاد كردن
hand held	دستي
harvest	فصل درو، خرمن
historian	تاريخ دانان
impact	تأثير گذاشتن
incompatible	نامناسب
individual	شخصي
interaction	ارتباط، تعامل
interactive	تعاملي، دو سويه
investor	سرمايه گذار
licenses	اجازه گرفتن، گواهينامه، پروانه دادن
losses	تلفات، ضايعات
meet	برآورده كردن
opportunity	فرصت

orchard	باغ ميوه
oven	فر، تنور، اجاق
pinpoint	معاينه
pipes	لوله
prescribe	تجويز كردن، تعيين كردن
presented	ارائه شده
productivity	سازندگي، خلاقيت
proliferating	افزايش، تكثير شدن
proper	مناسب، كامل
ranging	دامنه
record	سابقه
remote	دور افتاده، غير اجتماعي
sale	فروش، حراج
scientific	علمي
shell	پوسته
significantly	به طرز چشمگير
smart	باهوش
so that	به نحوي كه
sophisticated	كاركشته، وارد، حساس
staff	كاركنان
stock	سهام
suggest	پيشنهاد دادن
super highway	بزرگراه
supervision	نظارت، سرپرستي، اداره
take over	به عهده گرفتن
thinker	متفكر
tine	قوطي، محصول
to ensuring	براي تضمين اينكه
touch	ارتباط
transformed	تغيير دادن، دگرگون كردن
ultimately	در نهايت
valley	دره
vast database	پايگاه داده وسيع

درس پنجم

لغات داخل متن

alarm	هشدار،اعلام خطر
artifical	مصنوعي
beneficial	سودمند
blow	ضربه
bottlenecks	تنگه
clustering	خوشه سازي
clusters	خوشه ها
compares:	مقايسه ميكند
competitive edge	امتياز رقابتي
competitors	رقيب،حريف
conflict	دعوا،اختلاف
corn	غلات،ذرت
criticism	نقد،انتقاد
data mining	استخراج دادها
decision trees	درخت تصميم گيري
deductive	مقايسه اي،استقرايي
directions	دستور
duplicate	مشابه
emerging	در حال پيدايش
erroneous	نادرست
examine	بررسي
favorable	مطلوب
fiat	فرمان
for instance	به عنوان مثال
found	پيدا ميشود
fraudulent	ساختگي،فريب كارانه
frend	گرايش،روند
goes over	بررسي كردن
hit	ضربه،اصابت
indicate	بيان كردن،نشان دادن
instructor	مربي
insurance	بيمه
intelligence	هوش،اطلاعات
ivy	پيچك
labeled	نامگذاري شده
legislation	قانون

لغات درس

bear	توليد كردن، تحمل كردن، حمل كردن
block	مسدود كردن ، مانع شدن
blur	تيره و تار كردن، محو كردن
brilliant	درخشان، باهوش
enhance	بهبود بخشيدن
intrigue	توجه كسي را جلب كردن
shed	از خود ساطع كردن، بيرون ريختن، كندن
unique	بي مانند

درس ششم

لغات داخل متن

adhered	اعتقاد داشتن،پايبند بودن
allocation	اختصاص دادن
approached	پرداخت
attendance	حضور
based on	بر مبناي
clone	نسخه
commercial	تجاري
comprehension	فهم،درك
contest	رقابت،مبارزه
convenience	اسايش،رفاه
conventional	معمولي،تعارف
courses	دوره،درس
dedicated	تعهد كرده بودند
distributed	پخش كردن
distribution	توضيح،نمونه
editor	ويراستار
excluded	مانع شدن،محروم كردن
faculty	هيئت علمي
fix bugs	از بين بردن،ويروس كشي
foundation	بنياد،موسسه
free beer	مشروب رايگان
fulfilling	انجام دادن
generate	توليد كردن
heavily	به زحمت
hitherto	پيش از اين زمان
ideal	ارمان
implement	پياده ميكردند
industry	صنعت
interface	رابط
interpreter	مترجم
kit	قطعات
lawyers	وكيل،مشاور حقوقي
licensed	مجوز گرفتن
mature	بالغ شدن،عاقل
modify	تغيير دادن،تعريف كردن
operating system	سيستم عامل

likely to be	احتمال دارد
meal	بلغور ، غذا
meaningful	با معني،با اهميت
neural	عصبي،اعصاب
news wires	عكس هاي خبري
passage	تصويب
patterns	الگو
pulling stories	اطلاعات جذاب
raw	خام
reasoning	استدلال
refining	اصلاح،بهبود
relevant	مربوط
scrapping	دور ريختن
simply	صرفا
subsets	زير مجموعه هايي
supreme Court	ديوان عالي
trigger	اغاز گر ،عامل
uniform	يكسان،يكدست
warehouses	انبار
zoology	جانور شناسي

لغات درس

creep	خزيدن،به اهستگي وارد شدن
critical	حياتي ،دقيق
crush	فشردن،تحقير كردن
distort	از شكل انداختن،تحريف كردن
diverse	گوناگون،متفاوت
prosperous	موفق،ثروتمند
reveal	پرده برداشتن،نشان دادن

درس هفتم

لغات داخل متن

agent	عامل،نماينده
automating	خودكار،ماشيني
base	جايگاه
benefit	سود،امتياز
break-through	گام نخست،پيشرفت
broadening	گسترش دادن
conducted	انجام شدن
convergence	يكپارچگي،همگرايي
cottage	كلبه،ويلا
cramped	كوچك
desert	بيابان،كوير
dormitory	خوابگاه
dramatic	شگفت،چشمگير
drive	سوق دادن
ease	راحتي،اسايش
emphasis	تاكيد
eruption	فوران
eventually	سرانجام،بالاخره
fingertips	اماده،در دسترس
gestures	حركات سر و دست،اشاره
handwriting	دست خط
heard	خبر دار شدن
hyperlinked	ابر پيوندها
impact	تاثير
inaugural	افتتاح،افتتاحيه
incorporate	در بر گرفتن،گنجاندن
indeed	به راستي،مسلما
innovations	تغييرات،ابداعات
inspired	ملهم از
institute	موسسه،انجمن
interacting	ارتباط،تعامل
interface	رابط
introduction	درو
intuitive	حدسي،باطني
led	راهنمايي كردن،رهبري كردن
liberates	ازاد كردن

out there	در بازار
position	موضع
predictable	قابل پيشبيني
principles	اصول
product	محصول
purposefully	عمدا
released	منتشر كرد
resellers	فروشندگان
revenue	درامد
rolled	منتقل كردن
robust	مقاوم،مستحكم
roots	منشا،ريشه
sandpaper	سمباده
set out	اراده كرد
shortcoming	معايب
teaching aid	كمك درسي
texture	بافت،ظاهر
typesetting	ابزار تايپ و حروفچيني
undergraduate	كارشناسي
universe	جهان،دنيا
utilities	وسايل رفاهي،استفاده
utterly	كاملا
volunteers	داوطلب ها
wonder	شگفت انگيز
wool	پشمي

لغات درس

clarify	روشن كردن،شرح دادن
coarse	زمخت،بي ادب
commonplace	عادي،معمولي
complex	پيچيده،مركب
convenient	مناسب،مفيد،نزديك
exclusively	منحصرا،صرفا
immense	عظيم،بسيار بزرگ
rigid	محكم،خشك،ثابت،جدي
sufficiently	به اندازه ي كافي،به قدر كفايت

درس هشتم

لغات داخل متن

Accounting	حسابداري
Afford	توانستن، فراهم كردن
Approach	روش
Attractive option	امكان، جالب
Band width	زياد پهناي باند
Battling	غلبه، مبارزه ،جنگيدن
Bursting point	درحدانفجار
Barrier	مانع،ديوار
Camping	اردو
Coastline	خط ساحلي
Complexities	پيچيدگي، اشكال
Confident	خاطرجمع، اطمينان بخش
Cope	كنارآمدن با
Corporation	شركت،انجمن شهر
Costly	گرانبها، زيانبار
Deal	پرداختن
Defense	قدرت،دفاع
Delivery	تحويل،تحويل نامه
Enterprise	مؤسسه،شركت
Established	حوزه ها
expect	انتظار
Flammable	قابل اشتعال
Focus	تمركزكردن، تنظيم كردن، پرداختن به
Generic	عمومي،كلي
Hairs	پرز،كرك،تارمو
Havoc	آشفتگي، خسارت
Headdress	دستمال سر
Hurricane	طوفان،تندباد
Indicated	اشاره كردن،علامت دادن
Instead	درنهايت
Investing	سرمايه گذاري، وام دادن، صرف
Latest version	جديدترين نسخه
Leased	اجاره شده

lit	روشن كردن
mainstream	كاربرد هاي اصلي،گروه اصلي
multimodal	چند حالتي
navigation	جهت يابي
onslaught	حمله ي بي امان،خطر
palm	كف دست
pioneering	پيشگام،ابتكاري
poised to shake up	اماده ي دگرگون كردن
seniors	دانشجوي سال چهارم
sight	قدرت بينايي
skyline	افق،خط افق
skyscraper	اسمان خراش
sprung up	ناگهان پديدار شدن
tendency	تمايل
toss	انداختن،غلتاندن
traditional	سنتي،مرسوم
treat	رفتار كردن
up to now	تاكنون
vision	بينايي
volcano	اتش فشان
xerox	زيراكس

لغات درس

accurate	درست ، دقيق
dim	تار ،نور كم
dominant	مسلط،برتر
dormant	غير فعال،پنهان
drab	يكنواخت،بيرنگ وبو
gigantic	غول پيكر،عظيم
lasting	بادوام ، طولاني
selective	بر گزيده ، مشكل پسند
vibrant	زنده ، پرهيجان ، درخشان

لغات درس

amenity	تسهيلات
dramatic	شگفت انگيز
elaborate	مشروح، دقيق، پرطول وتفسير
hazardous	پرخطر، خطرناك
minuscule	خرد، ريز، كوچك
prime	آماده كردن، درجه يك عالي
rudimentary	مباني، ابتدايي
vigorous	قوي، پرشور

Leaves	برگ
Mere	كم، ناچيز، محض
Opportunity	فرصت
Outsourcing	خارج ازشركت
Out growing	وسعت يافتن،بزرگترشدن
Packed	بسته بندي شده
Particularly	فوق العاده، مخصوصاً
Payroll	ليست حقوق بگيران
Permanent	هميشگي،ثابت
Pitfalls	معايب
Profits	سود
Prohibitively	سرسام آور
Rare	كمياب
Reliable	معتبر، موثق، قابل اعتماد
Requirements	نياز، درخواست، شرايط
Rent	اجاره كردن
Respond	واكنش نشان دادن
Secure	امن، محكم، قطعي
Speechless	زبان بند آمده
Sudden	ناگهاني،غيرمنتظره
Suite	مجموعه
Tied to	محدودكردن
Up grading	بهبود، ترفيع
Via	ازطريق،توسط
Vigor	شور

درس نهم

لغات داخل متن

Acting	اجراکننده
Aggressive	پرخاشگر،ستیزه جو
Attorney	وکیل
Besides	علاوه بر
Buffers	حفاظت کردن
Burgeoning	درحال رشد
Circus	سیرك
Coding	رمزگذاري
Conceptually	به طور ذهني،عقلي،فكري
Contact	ارتباط،اتصال
Courtroom	دادگاه
Criminal	مجرم،جنایتکار
Datagram	برنامه ي داده ها
Described	شرح دادن،توصیف کردن
Enshrined	گنجانده شده جاي داده شده
Establish	برقرارکردن
Evidence	مدرك،شاهد،دلیل
Exchange	مبادله کردن،عوض کردن
Gateway	دروازه،مدخل،راه
Heart	کانون،مرکز
Integral	لازم،مکمل،سازنده
Legislation	قانون گذاري
Mediocre	معمولي،متوسط
Modules	واحد،قطعه
Node	گره
Package	بسته
Path	مسیر،راه
Portion	بخش،قسمت
Promise	تعهد،امید،قول
Propose	پیشنهاد،طرح
Reacted	تحت تاثیر قرار گرفتن
Resolution	قطعنامه،حل،رفع
Route	مسیر

senate	مجلس سنا
Session	اجلاس،نشست
Stream	امن،محکم،معتبر
Structures	سازمان دادن،ساختن
Summit	اوج جلسه
Talent	استعداد
Transmission	انتقال،پخش
Unstable	سست،بي ثبات
Wedding	جشن عروسي
Within	درون،درمحدوده

لغات درس

ample	فراوان،كافي
arid	خشك
burgeon	روییدن،شکوفاشدن
conspicuously	به طورمحض،آشکارا
defy	سرپیچي کردن،مقاومت کردن
dignitary	مقام عالي رتبه
elude	ازدست کسي فرارکردن،طفره رفتن
enact	قانون وضع کردن،تصویب کردن
erratic	غیرعادي،نامتعادل،نامنظم
exaggerate	مبالغه کردن،بزرگ کردن
exhaust	تمام کردن،خسته شدن
facet	بعد،سطح،جنبه،وجه
feign	تظاهرکردن،وانمودکردن
indiscriminate	فاقد تشخیص صحیح،نا صحیح

درس دهم

لغات داخل متن

at once	يكباره
bandwidth	پهناي باند
batch	دسته، گروهي
build up	بزرگتر و متراكمتر شدن
cancelled	لغو شدن، خط خوردن
client	كاربر
duplicates	متشابه، همانند
facilities	امكانات
fill up	پر شدن
host-based	ميزبان، مجري، تعداد زياد
individual	انفرادي، اختصاصي
initially	در آغاز، در ابندا
initiated	به اجرا در آمدن، شروع شدن
interval	فاصله، دقيقه
local	محلي
locally	به طور موضعي، به طور منطقهاي
long	طولاني
mode	حالت
operation	عملكرد
option	اختيار، انتخاب
preset	از پيش تعيين شده
recipients	گيرنده، دريافت كننده
respectively	به ترتيب
retrieval	بازيابي، اصلاح
retrieve	بازيافتن، گرفتن
rigidly	دقيقا
slightly	نسبتا
straightforward	درست، ساده
transmitted	فرستادن
typically	عموما
used to	عادت كردن
via	توسط، بوسيله، از طريق

لغات درس

derive	بدست آوردن
dignitaries	مقام عالي رتبه
encompass	احاطه كردن، دربرگرفتن
harbor	پناه دادن
inadvertently	ندانسته، به طور غيرعمد
infraction	تخلف
lighting	صاعقه
miraculously	معجزه آسا، به طور اعجاب آور
motorist	راننده
refugee	پناهنده
represented	نشان دهنده
retrieve	بازيافتن ، بازيابي كردن
status	جايگاه
ticket	برگ جريمه
unharmed	صحيح و سالم، بدون ضربه
unwarranted	ناموجه، غيرضروري، بي دليل
withstand	مقاومت كردن در مقابل، تاب آوردن
zenith	اوج

unlike	برعکس

لغات درس

abuse	سوء استفاده کردن
allocation	اختصاص ، سهم
antiquated	قديمي ، از مد افتاده
be done	شدني بودن
consequences	پيامد
conservation	حفظ
conservationist	طرفدار محيط زيست
conservatism	محافظه كاري
constant abuse	استفاده بيش از حد از محيط زيست
disappear	تغيير كردن
economy	اقتصاد
feasible	عملي ، ممكن
filled	پر
frequently	اغلب
furniture	لوازم
grave	بد
high-rise	بلند مرتبه
irate citizen	شهروند عصباني
limber	انعطاف پذير
machinery	دستگاه
objective	حرف
perceived	پيش پنداشته
preconception	پيش فرض ، پيش پندار
preconceptions	تعصب‌ها
primary	اوليه
robust	قوي
robustly	به شدت
used up	به تدريج تمام شد

درس یازدهم

لغات داخل متن

according to	برطبق
associated	مربوطه
blow	وزيدن
concern	مربوط بودن
contain	محتوا
context	محتوا
derivation	مشتق
developers	طراحان
display	نشان دادن
encoded	به رمز درآمده
established	قوانين تعيين شده
explicitly	به وضوح
extensible	توسعه‌پذير
formatting	شكل دادن ، شكل بندي
generalize	توسعه‌پذير
however	اين است كه
identity	هويت
independent	مستقل
internationalization	بين‌المللي كردن
interpert	ترجمه كردن
intervention	مداخله
looking for	جستجو كردن
markup	نشانه‌گذاري شده
metadata	ابر داده
meta-language	فوق زباني
nature	ماهيت
parse	تجزيه كردن
preceding	قبل از
present	ارائه كردن
presentation	ارائه و بازنمايي
search engines	موتورهاي جستجو
so that	به نحوي كه
spawned	توليدكردن
structuring	تشكيل دادن
subset	زيرمجموعه

درس دوازدهم

لغات داخل متن

affordable	مناسب
alternatives	جايگزين
as	هنگامي كه
assigned	خاص
asymmetric	نامتقارن
based	برمبناي
bearer	حامل ، حمل كننده
be devoted	اختصاص دادن
browsing	جستجو
capitalize on	استفاده كردن
cellular	سلولي ، خانه به خانه
client	سرويس گيرنده
coaxial	متحد المركز ، هم محور ، موازي
competitive	مقرون به صرفه
connections	اتصالات
copper	مس
dedicated	اختصاصي
dish	آنتن
downstream	پايين رودخانه
duplex	دوتايي
enter	وارد شدن
equipment	تجهيزات
existing	موجود
extremely	فوق العاده
independent	مجزا
infrastucture	زيرساخت
installation	نصب
involves	مستلزم بودن
maintain	حفظ كردن ، ادامه دادن
premise	مقدمه ، فرض
proportion	قسمت
proprietary	خصوصي ، تجارتي
rate	ميزان ، نرخ
request	درخواست
require	نيازمند

responses	پاسخ‌ها

shielded	خفاظت شده
signaling	علامت دهي
significant	مهم ، پر معني
solution	راه حل
splitter	تقسيم كننده
streaming	جريان
subscriber	مشترك
supervisory	نظارتي
terminal	پاياني
therefore	بنابراين
transmitter	فرستنده
twisted-pair	جفت پيچيده شده
unlike	برخلاف
upload	بارگزاري
utilized	مورد استفاده
variable	متغير
wire	سيم ، ارتباط با سيم

درس سیزدهم

لغات داخل متن

almost	تقريبا
altered	تغيير يافته
anatomy	ساختار
attacking	حمله كردن
authentication	تصديق كردن ، تاييد كردن
basic	مباني
calls	نيازمند
decipher	كشف رمز
decryption	كشف رمز ، رمز گشايي
detect	تشخيص دادن ، پيدا كردن
digital certification	سند هويت ديجيتال
enable	قادر
encryption	رمزدار كردن ، پنهان كردن
engaging	سرگرم كننده ، جالب توجه
generating	توليد
gibberish	حرف نامفهوم
given exchange	تبادل خاص
harm	آسيب
host	ميزبان
impostor	وانمود كننده
including	ازجمله
infect	آلود كردن
infected	معيوب
integrity	درستي
investigated	بررسي شده
issuer	اعطا كننده
it then	در آخر
legitimate	قانوني
operating	عامل ، عملياتي
original	اصلي
party	تيم ، گروه
patching	تعمير كردن
purchase	خريد
recipient	گيرنده
reproduce	تكثير

لغات درس

assimilate	در بر گرفتن
athlete	ورزشكار
biology	زيست شناسي
caliber	كيفيت
charisma	جاذبه
citizenship	تابعيت
comprehension	درك
course	درس
cultural	فرهنگي
detective	كارآگاه
display	نشان دادن
diver	غواص
edge of the table	لبه ميز
endure	دوام آوردن ، تحمل كردن
forfeit	چشم پوشي كردن
gave evidence	نشان مي‌دهد
next to	كنار
occurred	بريده شده
personality	شخصيت
positioned	قرار داده شده
possesses	مالكيت ، داراي
precarious	پر مخاطره
raise in pay	افزايش حقوق
requisite	لازم
show up	حاضر شدن
unravel	شرح دادن

rely on	وابسته بودن

لغات درس

characterized	توصيف شده
command	فرمان
contaminated	آلوده
day off	روز مرخصي
destructive	مخرب
difficulties	مشكلات
dormant	غير فعال
executed	اجرا شدن
flourish	اوج شكوفايي
flourishing	پررونق ، موفق
frequent agents	عوامل هميشگي
harmless	بي‌ضرر
hide	مخفي كردن
increase	افزايش
insects	حشرات
mind	ذهن
misdirection routine	دادن عنوان غلط
negligible	ناچيز ، بي اهميت
particular	خاص
payload	حداكثر بازده
poem	شعر
presence	وجود
pressing	فشار
relatively	نسبتا
replace	جايگزين
reproduction	تكثير
resident	باقي ماندن
sacrifice	قرباني ، فداكاري
sequence	توالي
supply	ذخيره
tigger	رها ساز
triumph	پيروزي

reverse	به طور برعكس
routine	روال
same	همان
scheme	طرح
secure	بي‌خطر
signed	امضا شده
similarity	همساني ، تشابه
tampered	ختلال ايجاد شده
tamper-proof	مقاوم در برابر خراب كاري
technique	روش
temper	مخلوط كردن
tent	توجه كردن ، آموختن
that is	به عبارت ديگر
through	از طريق
transactions	تبادلات
transit	عبور كردن ، راه عبور
transmission	ارسال پيام ، انتقال
trust	اعتماد
trusted	مورد اعتماد
unencrypted	رمزگذاري نشده
whether	آيا

درس چهاردهم

لغات داخل متن

angle	زاويه
apart from	صرف نظر از
appear	پديدار شدن
avoid	اجتناب كردن
benefit	مزايا
booming	ترقي كردن ، شكوفا شدن
bright	باهوش
budget	بودجه
built into	تبديل شدن به
bundling	دسته بندي كردن
business	تجاري
certification	عمل اعطاي گواهي
certified	گواهي شده
choice	گزينه
collect	مجموعه
comes in	به كار مي‌آيد
composed of	بشكيل شده از
consider	درنظر گرفتن
consultancy	مشاوره
consultant	مشاور
contract	قرارداد
contractor	پيمانكار
current	كنوني
count	مصوب شدن
couple	متصل كردن
debug	خطايابي
developers	طراحان
diverse	گوناگون
divert	تغيير دادن
earn	به دست آوردن
edition	چاپ ، نشر ، قسمت
eligible	شايسته
employees	كاركنان
employer	كارفرما
ensure	مطمئن شدن
equilateral	متساوي الاضلاع

executable	قابل اجرا
expert	كارشناس ، متخصص
expertise	مهارت ، تخصص
fetch	رفتن و آوردن
goes for	رفتن و آوردن
handle	كاركردن
hold	داشتن
hops	نقل و انتقال
implementing	پياده سازي
impressive	چشم گير ، گيرا ، مؤثر
inheritance	وراثت
instance	مورد
interestingly	بطور جالب توجه
interview	مصاحبه شغلي
intuitive	حسي ، ذاتي ، شهودي
in-house	درون سازماني
isosceles	متساوي الساقين
junior	درجه پايين ، كوچكتر
leap	پريدن ، عبور دادن ، جهش
likely	احتمالي ، محتمل
look for	جستجو كردن
low-cost	كم هزينه
maintenance	نگهداري ، حفظ
make the leap	ناگهان ترقي كردن
manageable	قابل كنترل
manner	روش
market	بازار
methodical	منظم ، با قاعده
moving images	تصاوير متحرك
multiple	چندگانه
nearly	تقريبا
object-oriented	شي گرا ، محصول گرا
observer	ناظر
often	اغلب
other words	به عبارت ديگر
out there	در بازار

oversee	نظارت كردن ، زير نظر داشتن
packaged	بسته بندي شده
piece	قطعه
plant	كارخانه
polymorphism	چندشكلي بودن
positioning	جايگاه
primary	مهم ، اصلي
principal motivation	انگيزه‌هاي اصلي
probably	احتمالا
product	محصول ، جنس
programming	برنامه نويسي
properly	به درستي
properties	ويژگي‌ها
property	ويژگي
proven track record	سابقه كار اثبات شده
qualification	صلاحيت،شرايط لازم،قيدوشرط
raft	يك مجموعه
rapidly	سريع
recruit	عضو جديد ، استخدام كردن
rectangle	چهار ضلعي
relocated	جابجا شده
representing	نشان دهنده
requirement	نيازمندي ، مقتضيات
reusable	قابل استفاده مجدد
revision	تجديد نظر كردن
road	راه
roller out	ارائه دادن
say	بعنوان مثال
shelf	طاقچه ، قفسه
shorten	كوتاه كردن
since	از آنجايي كه
sole	تنها
sort of	گونه‌اي از
square	مربع
staff	كار اداري
staffing	كارمند
sticky	چسبناك

stitch	وصل كردن
string	فهرست
subscribe	مشترك شدن
such	به گونه‌اي
synchronized	هماهنگ و همزمان
tailored	دوختن ، مناسب چيزي بودن
take	شركت كردن
time scale	مدت‌زمان
trade	ابزاركار
training	كارآموزي ، آموزش
triangle	مثلث
triangles-right	قائم الزاويه
trust	اعتماد ، سرپرستي
typically	عموما
unlikely	بعيد ، غير محتمل
welder	جوشكار
well known	سرشناس
whatever	هر
work through	حل كردن
worth	به اندازه ، به ارزش

درس پانزدهم

لغات داخل متن

absolute	مطلق
administrative	اداري ، اجرايي
aim	هدف ، هدف گيري كردن
allotted	اختصاص داده شده
apply	تقاضا دادن
array	مجموعه
attendants	خدمتكاران ، نگهبانان
at most	حداكثر
basis	بر مبناي
belong	عضو بودن
branch	شاخه ،شعبه
certification	گواهي
certified	گواهي شده
concise	مختصر ، فشرده
convince	متقاعد كردن
cost effective	مقرون به صرفه
curriculum	برنامه آموزشي
devote	اختصاص دادن
duties	وظايف كاري
employer	كارفرما
entitled	مستحق ، ذيحق
essential	مهم
evidence	مدارك مكتوب
fill out	پر كردن
generally	معمولا
genuinely	حقيقتا
get up to	مبادرت كردن
get used to	مبادرت كردن
glance	نگاه گذرا كردن
goal	هدف ، آرمان
godsend	موهبت الهي
grant leave	مرخصي دادن
head-hunted	شكار مغزها
highlights	برجسته ساختن ، مهمترين بخش
holder	دارنده
implementation	پياده سازي

لغات درس

account	حساب ، گزارش
achievement	دستاورد
blazing	سوزان
conservation	حفظ
determine	تعيين كردن
diet	رژيم غذايي
hue	رنگ
incident	تصادف
indicate	نشان دادن
intricacies	ريزه كاري‌ها
intricate	پيچيده ، ظريف
led	زندگي كردن
magnitude	بزرگي ، عظمت
nonpartisan	بي طرف
plentiful	فراوان
poll	نظرسنجي ، راي
pollster	نظرسنج
sheltered	محافظت شده
valuable	باارزش
vase	گلدان
warm	صميميت
wave	موج
witness	شاهد

Translating	ترجمه
typewritten	تايپ شده
ultimate	نهايتا
undertake	شركت كردن
until	تا اينكه
updated	به روز
upgrade	به روز كردن
upgrading	ارتقاء
want ad	آگهي شغل
write down	روي كاغذ نوشتن

in terms of	از لحاظ
managerial	مديريتي
marketability	قابل عرضه در بازار
myriad	بيشمار
omit	از قلم انداختن
on offer	در دسترس
organizing	سازماندهي
part-time	پاره وقت
potential	بالقوه
preferable	ترجيحا
prerequisites	پيش نيازها
present	ارائه دادن
professional	تخصصي
proud	مغرور
qualified	واجد شرايط
range	گستره
reminder	يادآوري
requisite	لازم
respond	پاسخ
responsibility	وظيفه
resume	سوابق ، تاريخچه شغلي
satisfaction	احساس رضايتمندي
self-study	خودخوان
structure	ساختار
stuck	چسباندن (گذشته stick)
submitting	ارائه
support	پشتيبان
sweating	در نگراني به سر بردن
talent	استعداد
technical	فني
tips	نكات
tough	دشوار
towards	به طرف ، به سوي
track	مسير
train	آموزش دادن
training	آموزشي

درس شانزدهم

لغات داخل متن

abandon	کنار گذاشتن
acceptance	پذیرش
accessory	ابزار فرعي ، کمکي
account	صورتحساب
across the network	کل شبکه
adaptable	مناسب
addressed	مخاطب
agent	عامل
alternative	جایگزین
approach	روش
around	حدودا
as close as	شبیه این است
as soon as	به محض اینکه
attack victims	حمله قلبي
at present	در حال حاضر
auditing	رسیدگي
automated	اتومات
badge	نشانه ، علامت
beam	پرتو ، شعاع
beyond	فراتر از آن
built in	قرار داده شده
billing	صورتحساب
bounce back	عقب پریدن ، به عقب برگشتن
brain power	قدرت ذهني
breed	نوع
breeding	تولید مثل
broadcast	منتشر شده
building	وضع کردن
bunch	مجموعه
bundled	دسته بندي شده
bunging up	پر کردن
chip	تراشه
claim	ادعا کردن
communication	ارتباط
contact lens	لنز تماسي
converge	به هم نزدیك شدن

لغات درس

action	عملکرد
analogous	شبیه ، همانند
analogy	شباهت
appearance	حاضر شدن
behavior	رفتار
compel	مجبورکردن ، ناچار کردن
conductor	رهبر
contract	منقبض شدن
despite	علیرغم
echoed	منعکس شده
favor of	به نفع
formidable	سخت ، ترسناك
formidably	بطور سهمگین
fulfilled	برآورده شده
hallway	تالار ورودي
hazardous	خطرناك
intrude	به زور وارد شدن ، تحمیل کردن
intrusion	ورود
investigated	برسي شده
lawyer	وکیل
legislation	قانون
light waves	امواج نور
opponents	مخالفان
plea	دادخواست
prone	مستعد
prophetic	پیش‌گویانه ، پیش‌گویي کننده
reluctantly	با بي‌میلي ، با اکراه
renown	شهرت ، بسیار مشهور
representative	نماینده‌ها
weakness	ضعف
worsen	وخیم‌تر

focus	كانون
follow	انتخاب كردن
full-screen	تمام صفحه
fund	وجه ، موجودي
further	جلوتر ، بعدي
futurologist	آينده شناس
genes	ژن‌ها
geneticists	متخصصان ژنتيك
guarantee	تضمين كردن
have dream	رويا ديدن
headquarters	مركز ، شعبه اصلي
head-up	بالاي سر
hold	حفظ كردن
homo	انسان
host	مجموعه
hybridus	دورگه
immortal	فناناپذير
inclination	تمايل
independent	مستقل
infestation	هجوم
influence	تاثيرگذاشتن
infrared	مادون قرمز
innovations	نوآوري‌ها
instantly	فورا
interchanging	مبادله كردن
jewellery	جواهرات
kernel	هسته
lead to	راهنمايي كردن
leisure time	اوقات فراغت
lenses	لنز
license	گواهينامه ، مجوز
likely	محتمل
limit	حد
linked	مرتبط شده ، پيوندي
literally	بي‌تعارف ، جدا
loose	منتشر كردن
make sense	منطقي بودن
manufacture	توليد كننده

conviction	اعتقاد
credit	اعتباري
currency	پول رايج
current	كنوني
customized	بر طبق سفارش
cutting through	ميانبر زدن
cybernetic	علم فرمانشناسي
cyberspace	فضاي مجازي
database	پايگاه داده
deluge	سيل
demand	تقاضا
deserve	شايسته
dimension	بعد
distance	فاصله
distribution	سيستم پخش
doubt	ترديد
downside	نقطه ضعف
driver	راننده ، گرداننده
earphone	گوشي تلفن
eclipsed	تحت الشعاع قرار گرفته
employees	كارمندان
encryption	رمزگذاري
equipped	مجهز بودن
equivalent	برابر
eventually	نهايتا
evolution	سير تكاملي
exceeding	تجاوز كردن
existence	بوجود آمدن
expertise	تخصص
extinct	منقرض شده
extract	بيرون كشيدن
faith	ايمان
fans out	پخش كردن
finally	بالاخره
flat	صاف ، مسطح
fluctuations	نوسانات

roaming	سير كردن
rocket	موشك ، پرتابه
rules	قوانين
sacrosanct	مقدس
sapiens	هوشمند
satellite	ماهواره
secure	بي‌خطر
seemingly	ظاهرا
sensing	احساس كردن
short-term	مدت كوتاه
signet ring	انگشتر نقش دار
simultaneously	در يك زمان
slow down	كاهش
smart	باهوش
so that	به نحوي
stretches	امتداد يافته
suit of services	كل مجموعه
superhighway	بزرگراه
suppliers	تهيه كنندگان
synthesis	تركيب
synthesizer	تحليل گر
taxation	وضع ماليات
telework	كار از راه دور ، دوركاري
terminator	به پايان رساننده
thinking through	بررسي كردن
though	اگرچه
thought	تفكر
to serve	در خدمت بودن
trace	رديابي كردن
trading	عوض كردن
transfer	انتقال
transition	تحول
trap	تله ، دام
trial	آزمايشي
trigger	ماشه ، محرك
ultimate	آخرين
ultra	فوق العاده
unshakable	راسخ

match	تطبيق دادن
measurement	اندازه دقيق
mobile	متحرك ، سيار
moment	درحال حاضر
monitor	نظارت كردن
motorist	راننده
much more	در مقايسه با
necessity	لزوم
nonlinear	غيرخطي
nurture	پرورش ، تربيت
ongoing	مداوم
operational	عملي ، قابل استفاده
optimized	بهينه
ordinary	معمولي
ought to	بايد
outgoing	ساطع شدن
outwitting	فريب دادن
out fit	لباس
pack	بسته
particularly	مخصوصا ، به خصوص
personality	شخصيت
plate	پلاك
phrase	عبارت
poised	متوازن
positioned	قرار داده شده
pre-set	از پيش تعيين شده
producing	صادر كردن
proportion	سرمايه
prototype	نمونه اصلي
record	ثبت كردن
reflector	منعكس كننده
regardless	صرف نظر از اينكه
registration	ثبت
retina	شبكيه چشم
returning	بازگشت
revolution	انقلاب
revolutionize	انقلاب ايجاد كردن
right people	آدم‌هاي شايسته

لغات درس

acknowledge	تایید کردن ، اعتراف کردن
aggravating	سخت کننده ، وخیم کننده
boil	جوش آمدن
convert	تبدیل کردن
curative	شفابخش
debilitating	ضعیف کننده
delay	تاخیر
deplete	تهنشین کردن ، خالي کردن
disposal	انهدام
expressing	بیان
foreman	سرکارگر
ills of society	مشکلات جامعه
inspire	القا کردن
investment	سرمایه گذاري
lake	دریاچه
manner	نحوه
ongoing	همیشگي
profound	عمیق
reserve	ذخیره
restricted	محدود شده
saving	پس انداز
sense	حس
toxic	سمي
toxic wastes	ضایعات سمي
tranquility	آرامش ، آسودگي
well-being	خوشي

vehicle	خودرو
versatile	چند منظوره
viable	امکان پذیر
virtual	مجازي ، واقعي
vision	تصویر
visualization	تجسم
ward	بخش
wavelength	طول موج
which	در واقع
wizardy	جادوگري

پایان